

# بررسی مزیقه ازدواج در استان‌های شمالی کشور (بر اساس سرشماری ۱۳۸۵)

رسول ربانی<sup>۱</sup>، وحید قاسمی<sup>۲</sup>، وکیل احمدی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۴، تاریخ تصویب: ۸۹/۱۲/۱۸)

## چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی وضعیت ازدواج و مزیقه ازدواج در سه استان مازندران، گیلان و گلستان است. برای انجام تحقیق از روش نسبت جنسی وزنی با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده در همه گروه‌های سنی برای هر دو جنس در سرشماری ۱۳۸۵ در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۷۵ برای استان‌های شمالی افزایش یافته است. نتایج محاسبه مزیقه ازدواج در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد دختران در گروه‌های سنی ۲۹-۳۴، ۳۵-۳۹، ۳۰-۳۵ با مزیقه ازدواج مواجه‌اند. اما در سال ۱۳۹۰ این مزیقه در مورد پسران بین گروه‌های سنی ۲۴-۲۹، ۲۰-۲۵ اتفاق خواهد افتاد و شدت آن نیز از مزیقه ازدواج دختران در سال ۱۳۸۵ بیشتر خواهد بود.

واژگان کلیدی: مزیقه ازدواج، نسبت جنسی وزنی، استان‌های شمالی کشور، سرشماری ۱۳۸۵.

<sup>۱</sup>. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، rarabani@ltr.ui.ac.ir

<sup>۲</sup>. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

<sup>۳</sup>. دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

## طرح مسئله

ازدواج یکی از مهم‌ترین وقایع حیاتی در کنار وقایع حیاتی دیگر چون تولد، مرگ و میر و طلاق است که از جنبه‌ها و ابعاد گوناگون شایسته بررسی و مطالعه است. در کشور ما که به لحاظ ساختار سنی، بخش اعظم جمعیت آن را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، مطالعه این امر اهمیت زیادی دارد؛ به‌خصوص از لحاظ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی. زیرا مسایل و مشکلات و نابسامانی‌های موجود در این بخش می‌تواند پیامدهای ناخواسته اجتماعی و فرهنگی ناگواری، نه تنها در سطح فردی بلکه مهم‌تر از آن برای جامعه، در پی داشته باشد. به بیان دیگر، آثار ازدواج بیش از آن که در فرد قابل ملاحظه باشد در سطح کلان‌اجتماع قابل بررسی و مشاهده است. تحولات در حوزه خانواده و ازدواج در ایران مقارن با بیکاری و مزیقه ازدواج جوانان است که می‌تواند در صورت بی‌توجهی بحران‌زا باشد.

عوامل اقتصادی مانند اشتغال و بیکاری و وضعیت اقتصادی افراد، عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند تحصیلات، میزان تأثیرپذیری از آموزه‌های دینی در زمینه ازدواج، می‌توانند بر وضعیت ازدواج و زناشویی در جامعه تأثیرگذار باشند. اما باید توجه کرد که ساختار جمعیتی جامعه نیز می‌تواند مستقیماً بر وضعیت ازدواج تأثیر بگذارد. با این حال اجماع نظر نسبی میان تأثیر تعاملی ساختار جمعیتی و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی در وضعیت ازدواج است. محققان برای تبیین تغییرات مربوط به الگوی ازدواج (بالارفتن سن ازدواج، افزایش تجرد قطعی و...) به عواملی اشاره دارند، از جمله گود (۱۹۶۳) به صنعتی شدن، بکر (۱۹۸۵) به افزایش نقش زنان در اقتصاد خانواده، وان‌دی‌کا (۱۹۸۷) به افزایش تحصیلات زنان همراه با استقلال اقتصادی آنان و لستاقی (۱۹۸۳) به تغییر در نگرش و ارزش‌های جوانان اشاره می‌کنند (به نقل از آقا، ۱۳۸۳: ۲۲۳).

نکته مهمی که در این خصوص کمتر مورد توجه قرار گرفته، تأثیر مستقیم ساختار جمعیتی کشور بر وضعیت ازدواج در جامعه است. در این خصوص اصطلاح مزیقه ازدواج مطرح می‌شود. اصطلاح مزیقه ازدواج برای توصیف و توضیح تأثیر عدم توازن بین تعداد مردان و زنانی که در سن ازدواج قرار دارند، به کار رفته است (شوون،<sup>۵</sup> ۱۹۸۳). در تعریفی ساده، مزیقه ازدواج را می‌توان عدم تعادل در تعداد مردان یا زنان در سن ازدواج تعریف کرد (عدم تقارن در دسترسی به همسران بالقوه). در فرآیند گذار جمعیتی، متعاقب کاهش مرگ و میر، باروری نیز کاهش می‌یابد. اگر در جامعه‌ای کاهش باروری سریع اتفاق بیفتد، یکی از پیامدهای آن در آینده، در صورتی که این مسئله جمعیتی همراه با مسئله فرهنگی و اجتماعی دیگری به نام تفاوت سنی زوجین همراه شود، عدم توازن بین تعداد مردان و زنان در سن ازدواج خواهد بود.

پرسشی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که با توجه به این‌که ایران در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ با افزایش رشد جمعیت مواجه بوده است و متعاقب آن، رشد جمعیت در دهه ۱۳۷۰ به واسطه کاهش باروری زنان کاهش یافته است، آیا جمعیت ایران و در این‌جا استان‌های شمالی کشور که روندهای جمعیتی آن‌ها هم‌سو با کشور است، پیامد احتمالی مزیقه ازدواج را تجربه خواهند کرد یا خیر؟ بنابراین، هدف اصلی این مقاله بررسی وضعیت مزیقه ازدواج در استان‌های شمالی کشور در فرآیند گذار جمعیتی با استفاده از شاخص نسبت جنسی وزنی می‌باشد.

## مبانی نظری

فرآیند تغییرات به وجود آمده در روند مرگ و میر و باروری، در ادبیات جمعیت‌شناختی به عنوان گذار جمعیتی شناخته شده است. فرآیند گذار جمعیتی در کشورهای توسعه‌نیافته و کشورهای توسعه‌یافته یکسان نبوده است، زیرا کاهش مرگ و میر و ورود به مرحله انتقال مرگ و میر در کشورهای توسعه‌نیافته، تحت تأثیر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی درون‌زا نبوده است، بلکه ارتباط با کشورهای پیشرفته صنعتی و وارد کردن تکنولوژی در زمینه درمان و کنترل بیماری‌ها از این کشورها عامل تعیین‌کننده بوده است. به بیان دیگر، کاهش مرگ و میر بیشتر ناشی از عوامل برون‌زا و کمتر تحت تأثیر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی این جوامع بوده است. با توجه به تحولات جمعیتی که در کشورهای صنعتی اروپا رخ داده است، جمعیت‌شناسان تلاش کرده‌اند این تحولات را تبیین کنند، نظریه گذار جمعیتی حاصل چنین فعالیت‌هایی است. این نظریه را نخستین بار تامسون در سال ۱۹۲۹ ارائه کرد، سپس فرانک نوشتن‌تایندر در سال ۱۹۴۵ و بلاکر در سال ۱۹۴۷ آن را تکمیل

1- Marriage Squeeze

2- Schoen

کردند(زارع، ۱۳۷: ۱۳۸۴). در فرآیند گذار جمعیتی بعد از کاهش مرگ و میر، باروری نیز کاهش می‌یابد. کاهش باروری خود پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی در سطح خرد (خانواده) و کلان (جامعه) به همراه دارد. یکی از پیامدهای جمعیتی در کشورهایی که کاهش باروری در آن‌ها سریع اتفاق افتاده است و همچنین الگوی توزیع سنی زوجین نشان از تفاوت سنی زیادی بین زوجین دارد، مضیقه ازدواج است. مضیقه ازدواج به صورت مبهمی برای توصیف و توضیح عدم توازن بین تعداد مردان و زنان که در سن ازدواج قرار دارند، به کار رفته است (شوون، ۱۹۸۳). در یک تعریف ساده، مضیقه ازدواج را می‌توان عدم تعادل در تعداد مردان یا زنان در سن ازدواج تعریف کرد (عدم تقارن در دسترسی به همسران بالقوه). مضیقه ازدواج یا عدم توازن نسبت‌های جنسی در سن ازدواج یکی از پدیده‌هایی است که از جمله در جریان گذار جمعیتی بروز می‌کند. در جوامعی که عمومیت ازدواج، تک‌همسری و فاصله سنی زوجین به هنگام ازدواج، هم‌زمان رفتارهای غالب ازدواج را تشکیل می‌دهند، موالید دوران کاهش سریع مرگ و میر و رشد شتابان جمعیت، با رسیدن به سن ازدواج با عدم توازن در تعداد دو جنس روبه‌رو می‌شوند (درودی، ۱۳۸۳: ۲۴۰). عدم تعادل در بازار ازدواج می‌تواند بر مبنای این که کدام جنس در مضیقه است دسته‌بندی شود. به نظر استیو و کیپر دو نوع متمایز مضیقه ازدواج می‌تواند وجود داشته باشد ۱. افزایش تعداد زنان - کمبود مردان ۲. افزایش تعداد مردان - کمبود زنان. هریک از موارد ذکر شده می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر بازار ازدواج داشته باشد. به نظر استیو و کیپر عدم توازن در تعداد مردان و زنان در سن ازدواج منجر به شکل‌گیری مضیقه ازدواج می‌شود. الگوهای ازدواج بایستی بیان‌کننده ترجیحات در همسرگزینی باشد. هنگامی که تعداد یکسانی از مردان و زنان در همه سطوح سنی وجود دارند، ترکیب جنسی - سنی بازار ازدواج در تعادل کامل است. با این حال همیشه چنین وضع مطلوبی وجود ندارد. برای مثال تفاوت‌های جنسی در مرگ و میر یا الگوهای مهاجرت، می‌تواند به سهولت با افزایش یا کاهش جمعیت زنان و مردان در سطوح سنی مشخص، موجب عدم تعادل در بازار ازدواج گردد.

دست کم سه عامل مهم در اواسط زندگی بر بازار ازدواج تأثیر می‌گذارد؛ نوسان باروری که به دلیل فقدان افراد غیرهم‌جنس<sup>۶</sup> متناسب با سن، موجب مضیقه ازدواج می‌شود. افزایش تفاوت‌های جنسی در مرگ و میر که منجر به کاهش مشخص در نسبت جنسی سال‌های بعدی می‌شود. عامل سوم که بسیار مهم‌تر است عملکرد هنجارهای همسرگزینی مبتنی بر سن است که اختلاف‌ها و ناهم‌سانی‌های فاحشی را در مجموعه ممکن واجدان شرایط، برای زنان و مردان موجب می‌گردد (وی ورس<sup>۷</sup>، ۱۹۸۸).

در بیشتر مواقع، هایپرگامی<sup>۸</sup> (ازدواج مردان با زنان جوان‌تر از خود) به عنوان صفت و خصیصه‌ای که به طور سلسله‌مراتبی توزیع شده، می‌تواند منجر به مضیقه ازدواج شود. در جوامع قشربندی شده حتی ازدواج زنان با مردانی که از لحاظ ویژگی‌هایی چون ثروت، قدرت، منزلت، سطح آموزش، خلوص مذهبی در موقعیت بهتری نسبت به آن‌ها قرار دارند نیز می‌تواند زمینه‌ساز بروز مضیقه ازدواج گردد. از این منظر، مضیقه ازدواج بر اساس محوریت سن، تنها مورد خاصی از نوعی پدیده فرهنگی بسیار عام تلقی می‌شود (بلگ، ۱۹۹۱: ۳۴۱).

براساس مطالعات انجام‌شده، مهاجرت مردم روستا به شهر و خروج مردان جوان و مجرد از روستا منجر به مضیقه ازدواج می‌گردد. هم‌چنین ترجیح جنسیتی خانواده‌ها برای داشتن فرزند پسر، با فرض این که امکان جلوگیری از به دنیا آمدن فرزند دختر وجود داشته باشد، منجر به برهم خوردن نسبت جنسی می‌شود؛ به طوری که در سال‌های آتی هنگامی که این افراد به سن ازدواج برسند بین تعداد دختران و پسران واقع در سن ازدواج عدم تعادل به وجود خواهد آمد (جعفری مؤدهی، ۱۳۸۲). به نظر دیویس (۱۹۸۲) پیامدهای عدم توازن طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند: بخش بزرگی از زنان ممکن است برای همیشه مجرد باقی بمانند، زنان ممکن است دیرتر ازدواج کنند یا تعداد زیادی از زنان مسن‌تر با زنان جوان به رقابت برخیزند. زنان ممکن است مردان جوان را به شوهری برگزینند یا با مردانی به مراتب مسن‌تر و قبلاً ازدواج کرده وصلت کنند. احتمال ازدواج مجدد زنان طلاق گرفته یا بیوه محدود می‌شود، یا زنان ممکن است با مردانی ازدواج کنند که در وضعیت قبل از

6. Cross sex

7. Veervers

8. Hyper gamy

مضيقه ازدواج هرگز آن‌ها را به همسری انتخاب نمی‌کردند. این تأثیرات هر کدام می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای رفتاری جدید یا ظهور پدیده‌های جدید در جامعه منجر شود. دیویس معتقد است به دنبال تغییرات جمعیت‌شناختی الگوهای جدید اجتماعی، به صورتی غیرآگاهانه، پدید می‌آیند تا با تغییرات اساسی جمعیت‌شناختی موجود انطباق پیدا کنند، تغییراتی که به گفته دیویس ایده‌آل‌ها و الگوهای قدیمی را در این جوامع غیر عملی کرده و افراد را به سمت رفتارهای جدید و تغییر ساختار سنتی نقش‌های اجتماعی مرد و زن سوق می‌دهند.

با وجود نتیجه‌گیری‌های حاصل از الگوها، تحلیل‌های تجربی مضيقه ازدواج قطعی و نهایی نیست. مضيقه ازدواج سطوح (نسبت ازدواج کرده‌ها) یا توزیع (تفاوت بین متوسط سن ازدواج مردان و زنان) ازدواج‌ها را به شیوه مورد انتظار الگوهای نظری تغییر نمی‌دهد. مضيقه بازار ازدواج می‌تواند از طریق سازوکارهای مختلف برطرف گردد. برای مثال عموماً اظهار می‌شود که تغییرات جمعیتی سریع که در کشورهای آفریقایی جنوب صحراً<sup>۹</sup> رخ داده به چندهمسری<sup>۱۰</sup> مربوط است. اما در جوامعی که چندهمسری وجود ندارد، مضيقه ازدواج از راه‌های متفاوتی مرتفع می‌شود. غالباً مشاهده می‌شود که سطح ازدواج حتی در بدترین شرایط به ندرت متأثر از مضيقه ازدواج است (استیو و کیپر، ۲۰۰۴).

به نظر هنری تفاوت شدید در ترکیب سنی - جنسی که منجر به کاهش شدید مردان در جنگ جهانی اول شد تأثیر اندکی بر سطح ازدواج گذاشته است. جوامع مورد نظر وی به سهولت از طریق بهبود و اصلاح توزیع ازدواج‌ها خود را با عدم تعادل جنسی - سنی تطبیق داده‌اند. افراد در سن ازدواج با وجود فشارها و محدودیت‌های موجود، خود را با توزیع سنی همسران در دسترس و موجود سازگار کرده‌اند. بازار ازدواج و همین‌طور ترجیحات سنی منعطف و تغییرپذیر است. تجارب ایالات متحده در قرن بیستم نشان می‌دهد که مضيقه ازدواج تأثیر زیادی بر سطح ازدواج، یعنی نسبت ازدواج کرده‌ها ندارد، اما بر توزیع آن‌ها تأثیرات چشم‌گیری دارد (استیو و کیپر، ۲۰۰۴).

مضيقه ازدواج هم‌چنین عامل مهمی در پایداری خانواده‌های سنتی یا بی‌ثباتی آن‌ها است، اما این امر تنها یک عامل از میان عوامل فراوان جمعیت‌شناختی و اجتماعی است (نویسنده نامعلوم<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۰). برای مثال افزایش سریع جمعیت هند و افزایش متعاقب در تعداد یک گروه سنی خاص، منجر به مضيقه شدید ازدواج زنان گردید. کمبود دامادهای متناسب با افزایش قابل توجه در میزان مهریه<sup>۱۲</sup> عروس‌ها، موجب افزایش ارزش و اعتبار شوهران<sup>۱۳</sup> گردید. این امر نیز موجب کاهش ارزش و اعتبار فرهنگی دختران نسبت به پسران می‌شود و نسبت جنسی متولدان را افزایش می‌دهد و نسل‌های بعدی را با مضيقه ازدواج مردان مواجه می‌کند.

مطالعات میدانی نشان می‌دهد زنان مجردی که تا ۳۰ سالگی از یافتن همسر مناسب ناامید می‌شوند، گرایش بیشتری به داشتن بچه دارند. در مجموع افزایش زنان مجرد، گزینه‌ها و انتخاب‌های مرسوم و سنتی مردان را برای ازدواج مجدد بعد از طلاق یا بیوگی تسهیل می‌کند و حتی امکان دارد سنت چند همسریو صیغه<sup>۱۴</sup> را از نو احیا کند (گودکاپند، ۱۹۹۷: ۱۱۴).

در خصوص وجود یا فقدان این پدیده در ایران و پیامدهای مترتب بر آن، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است. برخی معتقدند معضلی به نام تنگنای ازدواج در جامعه وجود ندارد (کوششی، ۱۳۸۳). برخی نیز بر وجود آن تأکید دارند و حتی مبادرت به تهیه آمار<sup>۱۵</sup> تعداد افرادی کرده‌اند که با وضعیت موجود به واسطه عدم تعادل نسبت جنسی ازدواج نمی‌کنند (جعفری مزدهی، ۱۳۸۲؛ درودی و آقا، ۱۳۸۳؛ احمدی و همتی، ۱۳۸۷).

### روش‌شناسی

برای بررسی تغییرات الگوی ازدواج و مضيقه ازدواج معمولاً از شاخص‌های زیادی استفاده می‌شود. اما هیچ روشی، راه حل کاملی را عرضه نمی‌کند که تمام پیچیدگی‌های بازار ازدواج را لحاظ کند. شاخص‌های میانگین سن ازدواج، میزان

<sup>9</sup>. Sub-Saharan

<sup>10</sup>. Polygamy

<sup>11</sup>. Unknown writer

<sup>12</sup>. size of dowry

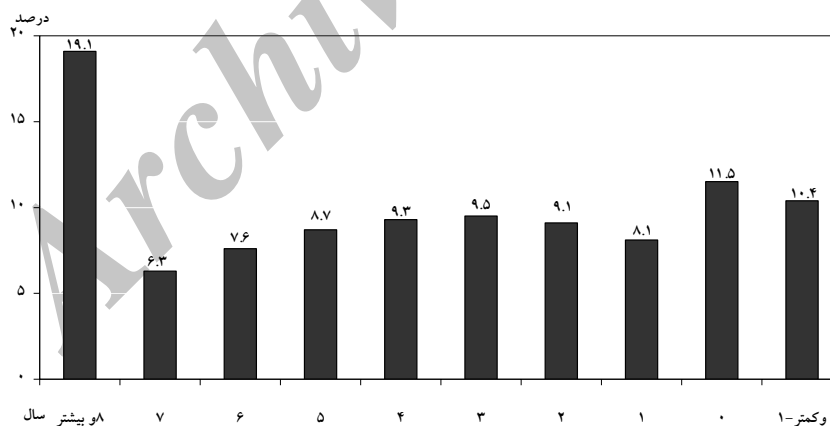
<sup>13</sup>. rising price of husband

<sup>14</sup>. Concubine

خام ازدواج، نسبت جمعیت یک‌بار ازدواج کرده، تفاوت نسبت همسرمداری، احتمال ازدواج و احتمال مجرد ماندن تا سنی مشخص که از جدول زناشویی به دست می‌آیند، از جمله شاخص‌هایی هستند که برای بررسی تحولات وضعیت زناشویی و ازدواج از آن‌ها استفاده می‌شود. شوون (۱۹۸۳) با استفاده از میزان ازدواج گروه‌های سنی مردان و زنان، به‌اندازه‌گیری شدت مضیقه ازدواج پرداخته است. ماسم (۱۹۷۴) با استفاده از جداول تقاضای مردان و زنان مضیقه ازدواج را اندازه می‌گیرد.

آسان‌ترین معیار برای بررسی وضعیت تعادل یا عدم تعادل نسبت جنسی، یا مضیقه ازدواج، محاسبه نسبت جنسی در سنین ازدواج است که مردان را با زنان در سنین مشخص یا  $x$  سن جوان‌تر مقایسه می‌کند.  $x$  میانگین تفاوت‌های سنی مشاهده‌شده بین زوجین است. مهم‌ترین مزیت نسبت جنسی سهولت به کارگیری و تفسیر آسان آن است که سیمای روشن و گویایی از توازن یا عدم توازن نسبت جنسی ترسیم می‌کند. محقق برای استفاده از این روش باید پیش‌فرضی را بپذیرد که همیشه هم با واقعیت مطابق نیست؛ این که در صورت ثابت ماندن اثر همه عوامل دیگر (مرگ و میر، مهاجرت و...) عدم توازن دو جنس به وقوع خواهد پیوست. برای محاسبه نسبت جنسیدر هر گروه سنی یا سن خاص معمولاً یا از جمعیت مرد و زن بدون در نظر گرفتن وضعیت زناشویی آن‌ها استفاده می‌شود، یا از جمعیت مرد و زن هرگز ازدواج نکرده. نکته دیگر در محاسبه نسبت جنسی، مقایسه مردان و زنان در گروه‌های سنی یا سنین متناظر، یا مقایسه مردان با زنان یک گروه سنی پایین‌تر یا  $x$  سال جوان‌تر است. به نظر می‌رسد شاخص میانگین فاصله سنی زوجین با توجه به این که متأثر از مقادیر کناری توزیع است، معیاری کلی است و خیلی تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرد. بنابراین برای روشن‌تر شدن مسئله در زیر نمودار توزیع درصدی ازدواج‌های ثبت شده در سال ۱۳۸۵ برحسب اختلاف سن زوج نسبت به زوجه آورده شده است. براساس آمار ثبت احوال کل کشور، در سال ۱۳۸۵ تعداد ۷۷۸۲۹۱ ازدواج ثبت شده است. گفتنی است آمار ارائه شده از سوی سازمان ثبت احوال افرادی را نیز که بیش از یک‌بار ازدواج کرده‌اند در بر می‌گیرد که از آن صرف‌نظر شده است.

نمودار ۱. توزیع درصدی اختلاف سن زوج نسبت به زوجه براساس ازدواج‌های ثبت شده سال ۱۳۸۵ کل کشور



هم‌چنان که جدول فوق نشان می‌دهد، همسان‌گزینی به لحاظ سنی در الگوی ازدواج جمعیت ایران دیده نمی‌شود و نمی‌توان به طور قطع یک فاصله سنی خاص را بین زوجین مشخص کرد و آن را پایه محاسبات تنگنا و مضیقه ازدواج قرار داد. با توجه به توزیع فاصله سنی زوجین که واریانس زیادی نیز دارد، برای محاسبه توازن یا عدم توازن نسبت جنسی در سنین ازدواج نباید میانگین خاصی را معیار قرار داد و بر مبنای آن توازن نسبت جنسی به تفکیک گروه‌های سنی را محاسبه کرد، زیرا میانگین، شاخصی مرکزی است که تحت تأثیر مقادیر کناری قرار می‌گیرد و در این صورت دارای برآوردهای تورش‌دار خواهیم بود. بنابراین چون دایره همسرگزینی در ایران به لحاظ سنی در گستره وسیعی صورت می‌گیرد، برای محاسبه توازن نسبت جنسی بهتر است از کل جمعیت در سن ازدواج استفاده کرد و محاسبه به تفکیک گروه‌های سنی نیز خطا خواهد داشت (احمدی و همتی، ۱۳۸۷: ۶۰). اگر الگویی از توزیع سنی زوجین در هنگام ازدواج وجود داشته باشد، براساس آن و با

توجه به ضرایبی که از این الگوی ازدواج به دست می‌آید می‌توان نسبت جنسی وزنی را محاسبه کرد. ضرایب به دست آمده، نسبتی از مردان در گروه سنی مورد نظر است که با زنان گروه‌های سنی دیگر ازدواج می‌کنند. در این جا برای محاسبه نسبت جنسی جمعیت در سن ازدواج، در مخرج کسر به جای تعداد جمعیت زنان همان گروه سنی یا یک گروه سنی پایین‌تر، جمعیت زنانی قرار می‌گیرد که طبق الگوی توزیع سنی زوجین، با مردان آن گروه سنی خاص ازدواج می‌کنند. نسبت جنسی وزنی از طریق رابطه زیر به دست می‌آید:

$$SR_{wi} = (P_{Mi} / \sum f_{ij} P_{Fi}) \times 100$$

$SR_{wi}$ ، نسبت جنسی وزنی برای گروه سنی  $i$  است،  
 $P_{Mi}$ ، تعداد جمعیت مردان گروه سنی  $i$  است،  
 $f_{ij}$ ، درصد مردان گروه سنی  $i$  است که با گروه سنی  $j$  از زنان ازدواج می‌کنند،  
 $P_{Fi}$ ، تعداد جمعیت زنان گروه سنی  $i$  است.

محاسبه مضیقه ازدواج با نسبت جنسی وزنی در صورتی صحیح است که الگوی توزیع زوجین در آینده هم‌چنان ثابت باشد و با فرض ثابت ماندن الگوی توزیع زوجین، به محاسبه مضیقه ازدواج در آینده پرداخته می‌شود. هرچند پدیده مضیقه ازدواج خود توزیع الگوی سنی زوجین را تغییر می‌دهد و جمعیت در سن ازدواج خود را با توزیع سنی همسران در دسترس هماهنگ و سازگار خواهند کرد. در این مقاله وضعیت ازدواج و زناشویی و مضیقه ازدواج با روش نسبت جنسی وزنی با اتکا به داده‌های سرشماری سال ۱۳۸۵ بررسی می‌شود.

#### یافته‌ها

در این قسمت ابتدا با استفاده از شاخص نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده، وضعیت ازدواج برحسب سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به تفکیک گروه‌های سنی در سه استان شمالی کشور بررسی می‌شود و سپس با استفاده از نسبت جنسی وزنی مضیقه ازدواج مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جدول ۱. نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده مردان به تفکیک گروه‌های سنی برحسب سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵ در استان‌های شمالی کشور

۳۰-۳۴		۲۵-۲۹		۲۰-۲۴		گروه سنی
سال	استان	سال	استان	سال	استان	
۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	سال
۸.۶۵	۵	۳۰.۶۶	۲۱.۴۳	۷۳.۶۷	۶۶.۰۴	استان
۱۴.۲	۹.۱	۳۸.۱۵	۳۰.۱۴	۷۸.۱	۷۱.۸۴	مازندران
۱۰.۱۸	۵.۳	۳۴.۴۷	۲۳.۶۶	۷۷.۳	۶۷.۰۹	گیلان
						گلستان

مقایسه نسبت جمعیت مردان هرگز ازدواج نکرده این سه استان حاکی از تغییرات محسوس در نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده در سرشماری ۱۳۸۵ نسبت به سرشماری ۱۳۷۵ است؛ به طوری که نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده در همه گروه‌های سنی برای مردان افزایش یافته است. می‌توان گفت دلیل اصلی افزایش نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده در گروه‌های سنی فوق افزایش سن ازدواج مردان است. افزایش سن ازدواج نیز متأثر از شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه در حال حاضر می‌باشد. علاوه بر این، در هر سه گروه سنی در سال ۱۳۸۵، استان گیلان بیشترین میزان مردان ازدواج نکرده و استان مازندران کمترین میزان مردان ازدواج نکرده را در میان این سه استان داشته‌اند.

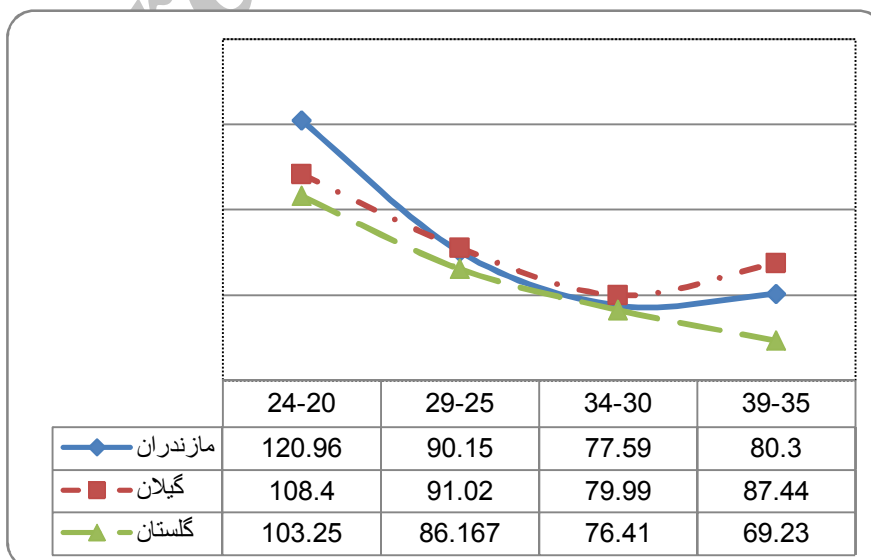
جدول ۲. نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده زنان به تفکیک گروه‌های سنی بر حسب سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵ در استان‌های شمالی کشور

گروه سنی		۱۵-۱۹		۲۰-۲۴		۲۵-۲۹		۳۰-۳۴	
استان	سال	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵
		مازندران	۸۲.۸۴	۷۹.۴۱	۴۱.۹۳	۴۷.۴۴	۱۶.۹۷	۲۳.۴۸	۸.۴
گیلان	۸۵.۹۵	۸۴.۳۶	۴۸.۸	۵۳.۰۷	۲۱.۹	۲۷.۱	۹.۷	۱۳.۶۱	
گلستان	۸۲.۱۳	۸۳.۵۳	۴۴.۴۷	۵۰.۸۹	۱۶.۱۸	۲۳.۵۳	۶.۰۳	۱۰.۰۹	

نسبت جمعیت زنان هرگز ازدواج نکرده به تفکیک گروه‌های سنی در سال ۱۳۸۵، هم‌چون نتایج جدول نسبت جمعیت مردان هرگز ازدواج نکرده، نشان‌دهنده افزایش نسبت جمعیت زنان هرگز ازدواج نکرده در مقایسه با سال ۱۳۷۵ است. در این میان، استان گیلان بیشترین میزان جمعیت ازدواج نکرده را در همه گروه‌های سنی دارد و استان مازندران در همه گروه‌های سنی به جز گروه سنی ۳۰-۳۴ پایین‌ترین نسبت ازدواج نکرده‌ها را در بین این سه استان دارد. می‌توان گفت یکی از دلایل افزایش نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده در گروه‌های سنی پایین، افزایش سن ازدواج است؛ اما نکته دیگری که از این نمودار استنباط می‌شود، در خصوص افزایش نسبت جمعیت ازدواج نکرده گروه سنی ۳۰-۳۴ است که مضمیق ازدواج برای زنان را نشان می‌دهد. احتمال این که زنانی که در این گروه سنی قرار دارند فرصتی برای ازدواج بیابند اندک است و درصد زیادی از این جمعیت دچار تجرد قطعی خواهند شد. هم‌چنان که در جدول نمایان است، در گروه سنی ۳۰-۳۴ کمترین درصد افراد ازدواج نکرده مربوط به استان گلستان و بیشترین میزان آن مربوط به استان گیلان است.

در زیر نمودار نسبت جنسی وزنی برای سه استان مازندران، گیلان و گلستان آمده است. برای محاسبه نسبت جنسی وزنی از الگوی توزیع سنی زوجین که در پیوست آمده، استفاده شده است. معیار تعادل نسبت جنسی ۱۰۰ می‌باشد و نسبت جنسی نزدیک به عدد ۱۰۰ نشان‌دهنده عدم مضمیق ازدواج برای هر دو جنس است. نسبت جنسی بیش از ۱۰۰ نشان‌دهنده تعداد بیشتر مردان در مقابل زنان در سن ازدواج است و بنابراین، تعدادی از مردان مضمیق ازدواج خواهند داشت. نسبت جنسی کمتر از ۱۰۰ تعداد بیشتر زنان در مقابل مردان در سن ازدواج را نشان می‌دهد و بنابراین تعدادی از زنان دچار مضمیق ازدواج خواهند شد.

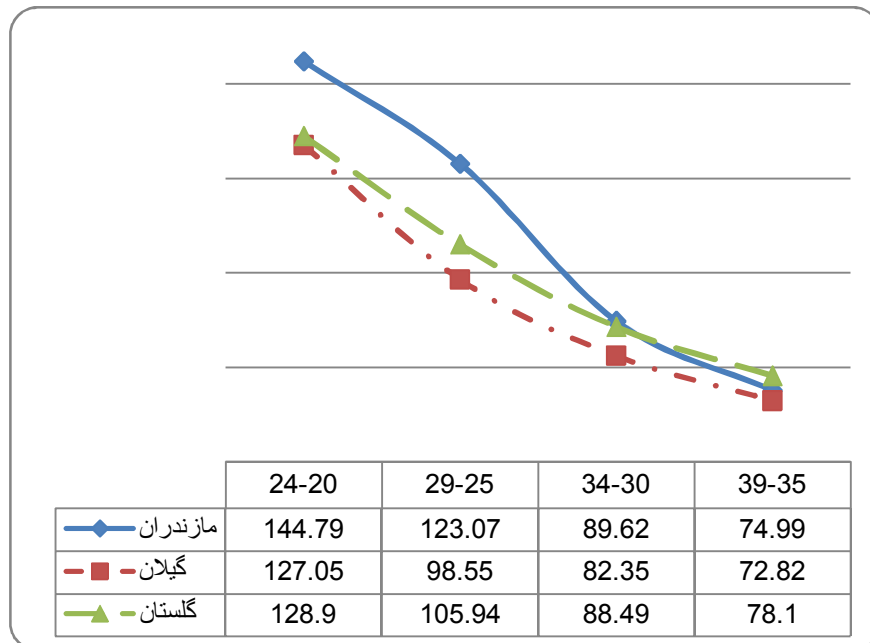
نمودار ۲. نسبت جنسی وزنی<sup>۱۵</sup> بر حسب گروه‌های سنی سال ۱۳۸۵



<sup>۱۵</sup>. شیوه محاسبه نسبت جنسی وزنی و جداول توزیع سنی زوجین برای سه استان شمالی در پیوست آمده است.

نسبت جنسی برحسب گروه‌های سنی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ برای سنین ۲۰ تا ۲۴ سال این سه استان برای مردان مضیقه ازدواج وجود دارد (استان مازندران با ۱۲۰.۶۹ مرد در ازای ۱۰۰ زن، بیشترین مضیقه ازدواج به سود زنان را داراست). در گروه سنی ۲۵-۲۹ نسبت جنسی پایین‌تر از ۱۰۰ نشان‌دهنده مضیقه ازدواج برای زنان است، که در دو گروه سنی ۳۰-۳۴ و ۳۵-۳۹ سال استان گلستان بیشترین مضیقه ازدواج به نفع مردان را داراست. نسبت جمعیت زنان ازدواج نکرده گروه‌های سنی ۳۰-۳۹ نیز افزایش یافته است و این افزایش بیشتر به خاطر مضیقه ازدواج است تا تأخیر در ازدواج.

نمودار ۳. پیش‌بینی نسبت جنسی وزنی برحسب گروه‌های سنی سال ۱۳۹۰



پیش‌بینی نسبت جنسی برحسب گروه‌های سنی برای سال ۱۳۹۰ نشان‌دهنده تغییرات مهمی در روند مضیقه ازدواج است. چنان‌که مضیقه ازدواج در برخی گروه‌های سنی به سود زنان تغییر می‌کند. هم‌چنان‌که از نمودار فوق بر می‌آید، مضیقه ازدواج در سن ۲۰-۲۴ برای مردان با شدت بیشتری وجود خواهد داشت و در ۲۵-۲۹ سال نیز برخلاف سال ۱۳۸۵ مضیقه ازدواج برای مردان خواهد بود. الگوی مضیقه ازدواج در بین استان‌ها متفاوت است؛ به طوری که در استان گلستان تقریباً مضیقه ازدواجی وجود ندارد (۹۸.۵ مرد در مقابل ۱۰۰ زن)؛ ولی در دو استان دیگر مضیقه به نفع زنان است. در دو گروه سنی دیگر نیز همانند سال ۱۳۸۵، مضیقه ازدواج برای زنان وجود دارد که در گروه سنی ۲۵-۳۹ مضیقه برای زنان شدت بیشتری می‌یابد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش‌گران تحولاتی را که در زمینه ازدواج و زناشویی در ایران اتفاق افتاده است معلول توسعه اقتصادی و اجتماعی و جریان نوسازی می‌دانند. تبیین و تفسیر پژوهش‌گران به این ترتیب است که در جریان توسعه اقتصادی و اجتماعی که چند دهه است در ایران شروع شده و جامعه را از حالت سنتی خارج کرده است، عواملی مانند افزایش تحصیلات به‌ویژه تحصیلات دانشگاهی برای دختران، افزایش اشتغال زنان و... منجر به تغییر نگرش نسبت به ازدواج و زندگی زناشویی شده است. این جریان به نوبه خود منجر به افزایش سن ازدواج در جمعیت ایران شده است. به نظر می‌رسد نقش عوامل جمعیتی در این زمینه نادیده گرفته شده است. تغییرات روندهای جمعیت‌شناختی در ایران در سه دهه گذشته نشان می‌دهد که عوامل جمعیت‌شناختی مانند تغییرات ترکیب سنی و جنسی، تغییرات باروری و... می‌توانند بر پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی به طور



مستقیم و یا غیر مستقیم تأثیر بگذارند. مطابق چارچوب نظری پژوهش، روند گذار جمعیتی در ایران نشان می‌دهد افزایش باروری در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ و متعاقب آن کاهش سریع در دهه بعد، اگر همراه با پدیده تفاوت سنی زوجین باشد (نمودار ۱ این پدیده را به خوبی نشان می‌دهد) می‌تواند منجر به مضیقه ازدواج شود. بنابراین، یکی از دلایل اصلی افزایش نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده به خصوص برای زنان در گروه‌های سنی بالای ۳۰ سال، می‌تواند به جای افزایش سن ازدواج، با پدیده مضیقه ازدواج تبیین شود. برای بررسی و اندازه‌گیری مضیقه ازدواج در ایران، از شاخص نسبت جنسی وزنی استفاده شده است. دلیل استفاده از این شاخص این است که دایره همسرگزینی به لحاظ سنی در ایران در گستره سنی وسیعی انجام می‌گیرد. در چنین وضعیتی، برای اندازه‌گیری مضیقه ازدواج، در صورت وجود جدول توزیع سنی زوجین، ضروری است که از نسبت جنسی وزنی استفاده شود. زیرا استفاده از نسبت جنسی ساده و مقایسه مردان با زنان  $x$  سال جوان-تر، معرف توزیع واقعی نیست. گفتنی است در محاسبه مضیقه ازدواج عوامل تأثیرگذار دیگر مانند الگوی سنی توزیع زوجین و مهاجرت، ثابت فرض شده‌اند. با تغییر این عوامل نتایج مضیقه ازدواج هم تغییر خواهد کرد. نتایج بررسی وضعیت ازدواج نشان می‌دهد که درصد جمعیت ازدواج نکرده در گروه سنی ۳۰-۳۴ زیاد است که نشان‌دهنده به تأخیر افتادن سن ازدواج برای مردان می‌باشد. علاوه بر این، درصد جمعیت ازدواج نکرده این گروه سنی نشان‌دهنده مضیقه ازدواج برای زنان است. احتمال این که زنانی که در این گروه سنی قرار دارند فرصتی برای ازدواج بیابند اندک است و درصد زیادی از این جمعیت دچار مجرد قطعی خواهند شد.

نتایج اندازه‌گیری مضیقه ازدواج در این سه استان نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۵ در گروه سنی ۲۰-۲۴ مضیقه ازدواج برای پسران و در گروه سنی ۲۵-۲۹ مضیقه ازدواج برای دختران با شدت کم وجود دارد. در دو گروه سنی ۳۰-۳۴ و ۳۵-۳۹ شدت مضیقه ازدواج برای دختران زیاد بوده است. پیش‌بینی مضیقه ازدواج برای سال ۱۳۹۰ نیز نشان می‌دهد که در این سال در دو گروه سنی ۲۰-۲۴ و ۲۵-۲۹ مضیقه ازدواج با شدت بیشتر برای پسران وجود خواهد داشت، اما در دو گروه سنی بالاتر مضیقه با شدت کمتری برای دختران خواهد بود.

با توجه به نتایج، می‌توان در زمینه پژوهشی این تحقیق چند پیشنهاد کرد. لازم است در خصوص تبیین تغییر و تحولاتی که در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده اتفاق افتاده است نقش عوامل جمعیت‌شناختی که طی گذار جمعیتی به وجود می‌آیند نادیده گرفته نشود و همه تغییر و تحولات با تبیین‌های کلی‌نگر مانند جریان توسعه و نوسازی تبیین و تفسیر نشود. بلکه هم‌چنان که در نتایج این تحقیق ذکر شد، برخی از تحولات ازدواج و زناشویی در ایران و در این‌جا در استان‌های شمالی، پیامد افزایش رشد جمعیت و کاهش سریع آن در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ می‌باشد. هم‌چنین با توجه به این که مضیقه ازدواج الگوی توزیع سنی زوجین را تغییر می‌دهد لازم است پژوهش‌گران تغییرات به وجود آمده در این زمینه را بررسی کنند.

پیشنهادی که در زمینه سیاست‌گذاری می‌توان داشت مربوط به پیامدهای اجتماعی مضیقه ازدواج است. تجربه کشورهای که دچار مضیقه ازدواج شده‌اند نشان می‌دهد که درصدی از افراد که به دلیل مضیقه ازدواج، هرگز نتوانسته‌اند ازدواج کنند، به تدریج زمینه را برای شکل‌گیری الگوهای رفتاری جدید در جامعه ایجاد کرده‌اند. به این ترتیب که کم‌کم فشارهای اجتماعی برای ازدواج کردن نسل‌های بعدی هم کم‌رنگ شده است و در کشورها نسبت مجرد قطعی به بالای ده درصد افزایش یافته است. به احتمال زیاد یکی از دلایل افزایش نسبت مجرد قطعی در این کشورها داشتن تجربه مضیقه ازدواج هرچند با شدت کم بوده است. بنابراین لازم است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امور اجتماعی به پیامدهای احتمالی مضیقه ازدواج توجه کافی داشته باشند تا به تدریج زمینه مشکلات اجتماعی فراهم نشود. شاید بهترین راه‌کار برای کاهش مضیقه ازدواج، ترویج همسان‌گزینی به لحاظ سن در برنامه‌های مربوط به ازدواج است. چون هم‌چنان که در نمودار ۱ آمد، تفاوت سنی زوجین در ایران زیاد است و همین عامل هم منجر به مضیقه ازدواج می‌شود. بنابراین با ترویج همسان‌گزینی در انتخاب همسر، در شرایط حاضر که ایران دچار مضیقه ازدواج است می‌توان آن را تا حد زیادی کاهش داد.

در نهایت می‌توان گفت مضیقه ازدواج می‌تواند توزیع سنی ازدواج‌ها را تغییر دهد که با تغییر در توزیع سنی ازدواج، جامعه می‌تواند تا حدودی بر مشکل مضیقه ازدواج فایق آید. مضیقه ازدواج، سطوح (نسبت ازدواج کرده‌ها) یا توزیع (تفاوت بین متوسط سن ازدواج مردان و زنان) ازدواج‌ها را به شیوه مورد انتظار الگوهای نظری تغییر نمی‌دهد. مضیقه بازار ازدواج می‌تواند از طریق سازوکارهای مختلف برطرف گردد. تداوم و تسری تأخیر در ازدواج دو جنس می‌تواند بازار ازدواج را از طریق فشرده‌تر

کردن رقابت نسل‌ها نامتعادل کند و بر توزیع آن‌ها تأثیرات چشم‌گیری بگذارد، اما جوانان با وجود فشارها و محدودیت‌ها، خود را با توزیع سنی همسران در دسترس و موجود سازگار خواهند کرد؛ زیرا بازار ازدواج منعطف و تغییرپذیر است.

### منابع

- آقا، هما (۱۳۸۳) «بررسی تحولات سن ازدواج و توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج در ایران»، دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشگاه شیراز، ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت.
- احمدی، وکیل و رضا همتی (۱۳۸۷) «بررسی وضعیت مضیقه ازدواج در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۸۷: ۶۴-۴۲.
- جعفری مژده‌ی، افشین (۱۳۸۲) «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵: ۸۳-۱۰۴.
- درودی آهی، ناهید (۱۳۸۳) «بررسی وضعیت ازدواج جوانان با استفاده از جداول خالص زناشویی»، دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشگاه شیراز، ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت.
- زارع، بیژن (۱۳۸۴) جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.
- سازمان ثبت احوال (۱۳۸۶) سالنامه آماری ۱۳۸۵ کل کشور، تهران: انتشارات دریای نور.
- کوششی، مجید (۱۳۸۳) «مناقشات در مورد تأخیر در ازدواج جوانان»، مجله فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۶۹، آبان.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶) نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵، قابل دسترسی در سایت مرکز آمار: <http://www.sci.ir>
- Billig, M. S. (1991) "The Marriage Squeeze on High-Caste Rajasthan Women", *The Journal of Asian Studies*, 50 (2): 341-360.
- Davis, P. O. (1982) "Demographic Foundations of New Sex Roles", *Population and Development Review*, 3: 495-513.
- Unknown writer (2010) "Demographic Consequences of a Female Marriage Squeeze". Available from: <http://family.jrank.org/pages/1139>
- Esteve, A. & A. Cabré (2004) "Marriage Squeeze and Changes in Family Formation: Historical Comparative Evidence in Spain, France, and United States in the XXth Century", Presented in *Population Association of America*, Annual Meeting Program.
- Goodkind, D. (1997) "The Vietnamese Double Marriage Squeeze", *International Migration Review*, 31 (1): 108-127.
- Muhsam, H. V. (1974) "The Marriage Squeeze", *Demography*, 11 (2): 291-299.
- Schoen, R. (1983) "Measuring the Tightness of a Marriage Squeeze", *Demography*, 20 (1): 61-78.
- Veevers, E. J. (1988) "The Real Marriage Squeeze: Mate Selection, Mortality, and the Mating Gradient", *Sociological Perspectives*, 31 (2): 169-189.

### پیوست الف) جداول الگوی توزیع سنی زوجین در استان‌های شمالی کشور

جدول ۱. الگوی توزیع سنی زوجین در استان مازندران سال ۱۳۸۵

جمع	+۴۵	۴۰-۴۴	۳۵-۳۹	۳۰-۳۴	۲۵-۲۹	۲۰-۲۴	۱۶-۱۹	۱۳-۱۵	-۱۳	زوجه زوج
۱	۰	۰	۰۰۰۳۶	۰۰۰۷۳	۰۰۳۰۹	۰۰۱۶۹	۰۰۵۰۶	۰۰۲۷۰	۰۰۱۲۶	-۱۹
۱	۰۰۰۰۴	۰۰۰۰۴	۰۰۰۳۱	۰۰۰۹۴	۰۰۶۱۵	۰۰۳۷	۰۰۴۲۳	۰۰۱۲۵	۰۰۰۶	۲۰-۲۴
۱	۰۰۰۰۴	۰۰۰۱	۰۰۰۶۲	۰۰۳۰۶	۰۰۱۹	۰۰۴۵۵	۰۰۲۵۹	۰۰۰۵۴	۰۰۰۲۲	۲۵-۲۹
۱	۰۰۰۰۷	۰۰۰۵۴	۰۰۳۲	۰۰۱۳	۰۰۳۳۱	۰۰۳۵۶	۰۰۱۱۸	۰۰۲۲۸	۰۰۰۱۱	۳۰-۳۴
۱	۰۰۰۷۲	۰۰۲۴	۰۰۱۰۸	۰۰۲۵۸	۰۰۳۲	۰۰۲۲۲	۰۰۴۴۵	۰۰۰۴۸	۰	۳۵-۳۹
۱	۰۰۳۹۵	۰۰۱۰۸۱	۰۰۲۳۷	۰۰۲۴۸	۰۰۲۲۱	۰۰۱۲۴	۰۰۱۵۸	۰۰۰۵۲	۰	۴۰-۴۴
۱	۰۰۲۳	۰۰۲۱۱	۰۰۲۳۴	۰۰۱۷۴	۰۰۸۹۹	۰۰۳۸۶	۰۰۰۹۲	۰۰۰۱۶	۰	+۴۵

جدول ۲. الگوی توزیع سنی زوجین در استان گلستان سال ۱۳۸۵

جمع	+۴۵	۴۰-۴۴	۳۵-۳۹	۳۰-۳۴	۲۵-۲۹	۲۰-۲۴	۱۶-۱۹	۱۳-۱۵	-۱۳	زوجه زوج
۱	۰.۰۰۰۰۵	۰	۰.۰۰۰۰۲	۰.۰۰۰۰۶	۰.۰۰۳۳۹	۰.۰۰۲۰۹	۰.۰۰۴۹۹	۰.۰۰۲۲۷	۰.۰۰۱۵۶	-۱۹
۱	۰.۰۰۰۰۳	۰.۰۰۰۰۶	۰.۰۰۰۱۷	۰.۰۰۱۱۱	۰.۰۰۷۷۲	۰.۰۰۴۰۰۲	۰.۰۰۴۱۴	۰.۰۰۹۶۷	۰.۰۰۰۲۷	۲۰-۲۴
۱	۰.۰۰۰۰۱	۰.۰۰۰۰۴۵	۰.۰۰۰۵۹	۰.۰۰۴۲۹	۰.۰۰۲۲۶	۰.۰۰۴۴۲	۰.۰۰۲۴۳	۰.۰۰۳۷	۰.۰۰۰۱۳	۲۵-۲۹
۱	۰.۰۰۰۱۸	۰.۰۰۰۳۶	۰.۰۰۳۲	۰.۰۱۵۶	۰.۰۰۳۴۰	۰.۰۰۳۱۹	۰.۰۱۳۴	۰.۰۰۹۶	۰.۰۰۰۱۲	۳۰-۳۴
۱	۰.۰۰۰۷۴	۰.۰۰۲۸	۰.۰۰۸۹	۰.۰۰۲۷۷	۰.۰۰۲۸۴	۰.۰۰۲۱۶	۰.۰۰۸۲۳	۰.۰۰۱۶۴	۰	۳۵-۳۹
۱	۰.۰۰۳۲	۰.۰۱۰۶	۰.۰۰۲۰۸	۰.۰۰۳۰۴	۰.۰۰۱۹۲	۰.۰۰۱۱۲	۰.۰۰۲۱۳	۰.۰۰۱۶	۰.۰۰۰۵۳	۴۰-۴۴
۱	۰.۰۰۲۵۷	۰.۰۰۱۶۶	۰.۰۰۱۷۹	۰.۰۰۱۹۹	۰.۰۰۱۱۰	۰.۰۰۰۴۲	۰.۰۰۰۴۰۶	۰.۰۰۰۳۸	۰	+۴۵

جدول ۳. الگوی توزیع سنی زوجین در استان گیلان سال ۱۳۸۵

جمع	+۴۵	۴۰-۴۴	۳۵-۳۹	۳۰-۳۴	۲۵-۲۹	۲۰-۲۴	۱۶-۱۹	۱۳-۱۵	-۱۳	زوجه زوج
۱	۰.۰۰۰۰۵	۰	۰.۰۰۰۰۳۴	۰.۰۰۱۳	۰.۰۰۰۲۵	۰.۰۰۲۰۸	۰.۰۰۴۸۸	۰.۰۰۲۵۶	۰.۰۰۰۰۴	-۱۹
۱	۰.۰۰۰۰۷	۰.۰۰۰۰۹	۰.۰۰۰۰۳۸	۰.۰۰۱۰۸	۰.۰۰۰۷۶	۰.۰۰۳۹۸	۰.۰۰۴۰۷	۰.۰۰۹۹	۰.۰۰۰۱۵	۲۰-۲۴
۱	۰.۰۰۰۰۴	۰.۰۰۰۱۷	۰.۰۰۱۰۵	۰.۰۰۰۳۸	۰.۰۰۲۲۹	۰.۰۰۴۵۰	۰.۰۰۲۲۸	۰.۰۰۴۰۶	۰.۰۰۰۰۷	۲۵-۲۹
۱	۰.۰۰۰۲۳	۰.۰۰۱۰۷	۰.۰۰۰۳۵	۰.۰۰۱۳۴	۰.۰۰۳۵۵	۰.۰۰۳۳۷	۰.۰۰۱۱۰	۰.۰۰۱۳۸	۰	۳۰-۳۴
۱	۰.۰۰۱۰۱	۰.۰۰۰۴۱	۰.۰۰۱۴۸	۰.۰۰۱۹۴	۰.۰۰۳۴۵	۰.۰۰۱۹۶	۰.۰۰۰۵۴	۰.۰۰۰۰۹	۰	۳۵-۳۹
۱	۰.۰۰۰۳۸	۰.۰۰۰۸۸	۰.۰۰۲۵۲	۰.۰۰۲۲۸	۰.۰۰۲۰۸	۰.۰۰۱	۰.۰۰۲۳۵	۰	۰	۴۰-۴۴
۱	۰.۰۰۳۳۴	۰.۰۰۱۸۸	۰.۰۰۲۱۳	۰.۰۰۱۲۷	۰.۰۰۰۸۰۶	۰.۰۰۰۳۹	۰.۰۰۰۱۵	۰.۰۰۰۱۳	۰	+۴۵

منبع: محاسبه بر اساس داده‌های سازمان ثبت احوال ایران (۱۳۸) سالنامه آماری کل کشور

### پیوست ب) طریقه محاسبه نسبت جنسی وزنی

در این جا برای نمونه شیوه محاسبه نسبت جنسی وزنی برای گروه سنی ۲۵-۲۹ استان مازندران محاسبه می‌شود. برای محاسبه نسبت جنسی وزنی باید جدول توزیع سنی زوجین و هم‌چنین تعداد جمعیت مردان و زنان بر حسب گروه‌های سنی وجود داشته باشد. در این جا جدول توزیع نسبی سنی زوجین با استفاده از داده‌های مرکز ثبت احوال در سال ۱۳۸۵ و جمعیت زنان و مردان نیز از داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران به دست آمده است.

جدول ۲. تعداد زنان بر حسب گروه‌های سنی انتخاب شده استان مازندران بر اساس سرشماری ۱۳۸۵

سن	۱۰-۱۲	۱۳-۱۵	۱۶-۱۹	۲۰-۲۴	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹	۴۰-۴۴	۴۵-۴۹
تعداد	۶۳۷۶۰	۸۴۳۰۲	۱۳۸۸۴۴	۱۸۸۵۵۸	۱۴۰۶۹۱	۱۱۸۳۱۲	۱۱۲۲۸۰	۹۹۰۵۰	۸۵۰۴۸

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶)

تعداد جمعیت مردان گروه سنی ۲۹-۲۵ بر اساس سرشماری ۱۳۸۵ برابر با ۱۴۲۱۰۹ نفر است.

محاسبه نسبت جنسی وزنی گروه سنی ۲۵-۲۹ برای استان مازندران

$$SR_{w_{25-29}} = (P_{M_{25-29}} / \sum_{ij} P_{Fi}) \times 100$$

$$P_{M_{25-29}} = 142109$$

$$\sum_{ij} P_{Fi} = (.0022 \times 63706) + (.054 \times 84302) + (.259 \times 138844)$$

$$+ (.455 \times 188558) + (.190 \times 140691) + (.0306 \times 118312)$$

$$+ (.0062 \times 112280)$$

$$+ (.001 \times 99050) + (.0004 \times 85048) = 157627.76$$

$$SR_{w_{25-29}} = (142109 / 157627.76) \times 100 = 90.15$$

Archive of SID